

بررسی تحلیلی سیر تاریخی نامگذاری مالیحولیا در طب ایرانی

محمد یوسف پور^{الف}، محمدمهدی اصفهانی^ب، محمد کمالی نژاد^ج، جمال شمس^د، محسن بهرامی^ه، سیدامیرحسین لطیفی^{و*}

^{الف} گروه طب سنتی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری

^ب مرکز تحقیقات قرآن حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

^ج گروه فارماکونوزی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

^د گروه روانپزشکی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

^ه دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

چکیده

مالیحولیا یکی از بیماری‌های مهم در امراض دماغی در طب ایرانی است. اگر بخواهیم این بیماری را براساس تقسیم‌بندی بیماری‌ها در طب رایج طبقه‌بندی کنیم می‌توانیم آن را به‌عنوان یک اختلال روانی در نظر بگیریم. از سویی امروزه اختلالات روانپزشکی، به‌دلیل شیوع بالا و ناشناخته‌بودن علل بوجودآورنده آنها و نیز ناکافی‌بودن پروتکل‌های درمانی، یکی از معضلات عمده جهان پزشکی محسوب می‌شود. با عنایت به موارد پیش‌گفته، شناخت دقیق و کامل بیماری‌هایی چون مالیحولیا می‌تواند افق‌های جدیدی را فرا روی پژوهشگران جهت رفع معضلات موجود در زمینه سبب‌شناسی و درمان اختلالات روانپزشکی بگشاید. نیل به این مهم، مستلزم پژوهشی جامع و کامل در زمینه بیماری مالیحولیاست که این مقاله اولین قدم در این زمینه محسوب می‌شود.

تاریخ دریافت: مهر ۹۳

تاریخ پذیرش: آذر ۹۳

کلید واژه‌ها: طب ایرانی، مالیحولیا، اختلالات روانپزشکی، طب رایج.

مقدمه:

و در آینده نیز این اختلالات سهم قابل‌توجهی از شاخص بار بیماری‌ها را به خود اختصاص خواهند داد. یکی از راهبردهای سازمان بهداشت جهانی در زمینه رفع معضلات پزشکی، حمایت و پشتیبانی از ظرفیت طب مکمل و سنتی است (۲).

طب سنتی ایران (Iranian Traditional Medicine) یکی از قدیمی‌ترین و باشکوه‌ترین مکاتب طبیبی دنیا است که سهم مهمی در تاریخ پزشکی دنیا ایفاء کرده است (۳)، گرچه در طب ایرانی عبارتی تحت عنوان «بیماریهای روانی» دیده نمی‌شود، اما اگر بخواهیم مالیحولیا را طبق تقسیم‌بندی بیماری‌ها در طب رایج طبقه‌بندی کنیم می‌توانیم آن را در زمره اختلالات روانپزشکی در نظر بگیریم. با عنایت به موارد پیش‌گفته، شاید

امروزه، تلفیق شیوه‌های درمانی طب مکمل با طب کلاسیک روشی پذیرفته‌شده و رایج در جهان پزشکی است. بیشتر بیمارستان‌های عمومی اروپا و آمریکا، دارای بخش‌های مختلف طب مکمل همانند طب سوزنی، هومیوپاتی، دعادرمانی، انرژی درمانی و غیره است و بیمار می‌تواند به اختیار خود یک روش درمانی دیگر علاوه بر طب رایج را انتخاب کند.

شیوع بالای اختلالات روانپزشکی و ناکافی‌بودن پروتکل‌های درمانی به جهت ناشناخته‌بودن علل بوجودآورنده آنها یکی از معضلات عمده جهان پزشکی محسوب می‌شود (۱)

التصریف، قانون، ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطیبیه، شرح الاسباب، طب اکبری، معالجات عقیلی، اکسیر اعظم، کفایه الطب و برخی کتب لغت، استخراج و با هدف جمع‌بندی و دسته‌بندی مطالب، در موضوعات مختلفی چون نامگذاری، تعریف، سبب‌شناسی، علائم و درمان فیش‌برداری انجام گرفت. در مرحله بعد جستجو با کلیدواژه‌هایی که به بیماری مورد نظر اشاره داشتند، مانند وسواس، جنون، دیوانگی، مالیخ، مالنخ انجام گرفت. در مرحله سوم فیش‌های مرتبط با نامگذاری مورد بازبینی قرار گرفته و اسامی مختلف بیماری استخراج شد. و در مرحله آخر، بررسی تحلیلی دقیقی بر روی تمام فیش‌ها به‌منظور حصول اطمینان بر یکی‌بودن بیماری مورد نظر انجام گرفته و نتایج آن ارائه شد.

یافته‌ها:

وجه تسمیه یا نامگذاری بیماری‌ها در طب ایرانی: یکی از مواردی که در طب ایرانی مورد دقت بوده است وجه تسمیه یا نامگذاری بیماری‌هاست، لذا جهات مختلفی به‌عنوان منشأ نامگذاری بیماری‌ها بیان شده است که این نامگذاری‌ها:

از جهت تشبیه بوده، مانند داء‌الأسد (بیماری شیر)، داء‌الحیة (بیماری مار)، داء‌الثعلب (بیماری روباه) و داء‌الفیل، که وجه شباهتی بین بیماری و یک حیوان وجود دارد، برای مثال در داء‌الاسد یا جذام گفته شده که این بیماری مانند شیر (اسد) به بیمار هجوم می‌آورد و یا اینکه صورت بیمار به‌صورت شیر تشبیه می‌شود و یا به جهت آن که این حیوان بسیار به این بیماری دچار می‌شود. در مورد سایر بیماری‌های مشابه هم به همین صورت است.

یا از جهت محل بروز بیماری، همانند ذات‌الجنب، ذات‌الریه و ذات‌الصدر

یا از جهت سبب بیماری، مانند مالیخولیا که چون سبب این بیماری خلط سودا است، این نام را بر بیماری نهاده‌اند که این اصطلاح در لغت یونانی به معنی خلط اسود است.

بتوان از برخی نکات کلیدی که پزشکان بزرگ طب ایرانی، در سبب‌شناسی و درمان بیماری مالیخولیا مطرح کرده‌اند، استفاده‌های بالینی مفیدی به‌عمل آورد.

نیل به این مهم، مستلزم پژوهشی جامع و کامل در زمینه بیماری مالیخولیاست، به آن امید که افق‌های جدیدی را فرا روی پژوهشگران جهت رفع معضلات موجود در زمینه سبب‌شناسی و درمان اختلالات روانپزشکی بگشاید.

به نظر می‌رسد اولین قدم جهت پژوهش جامع و کامل در مورد یک بیماری در طب کهن، ابتدا یافتن تمامی عناوین و یا اسامی است که دلالت یا اشاره به بیماری مورد نظر دارند؛ این امر به‌ویژه در مورد بیماری‌هایی چون مالیخولیا که در اسناد مکتوب طبی در قرون مختلف دارای اسامی متعددی بوده‌اند اهمیت بیشتری می‌یابد. قدم دوم بررسی تحلیلی جهت پاسخ به این سؤال است که آیا همه این اسامی اشاره به یک بیماری واحد دارند یا خیر؟ برای مثال در حالی که بیشتر اطبا واژه جنون یا دیوانگی را برای چهار بیماری مانیا، داء‌الکلب، قطرب و صبارا استفاده کرده‌اند، برخی کتب بیماری مالیخولیا را به این واژه نامیده‌اند، بنابراین اگر این کلیدواژه را در جستجوی علمی خود به‌کار نگیریم از مطالب برخی کتب پیرامون این بیماری محروم خواهیم شد.

به‌نظر می‌رسد این امر علی‌رغم اهمیت، کمتر در پژوهش‌ها مورد توجه واقع شده است، چرا که در بررسی به‌عمل‌آمده در هیچ‌یک از مقالات منتشره تاکنون نه مالیخولیا و نه سایر بیماری‌هایی که دارای اسامی متعدد هستند، از این منظر مورد پردازش قرار نگرفته‌اند، که امید است این پژوهش‌گشایی در این زمینه باشد.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش که یک مطالعه کتابخانه‌ای است ابتدا تمامی مطالب پیرامون این بیماری با کلیدواژه‌هایی که به‌طور مستقیم به آن دلالت داشتند، همانند مالیخولیا، مالنخولیا و وسواس سوداوی از کتب معتبر و مرجع طبی همانند جوامع جالینوسی، فردوس‌الحکمه، الحاوی، المنصوری فی الطب، کناش کشکری، معالجات بقراطیه، هدایه‌المتعلمین، المئه ابوسهل، کامل‌الصناعه،

« نخست باید دانست که بعضی طبیبان نام این علت را «مالنخولیا» می‌گویند از پس لام، «نون» و گروهی «مالیخولیا» می‌گویند از پس لام «یا» و این نام یونانی است، اما تحقیق این دشوار توانیم دانست. بوالخیر الحماد گوید: «مولی» نام «سودا» ست و «خولش» نام «خلط» است، چون خواستند که گویند خلط سودا گفتند مالیخولیا و خداوند این علت را «مالیخولی» گویند، به این تفصیل درست آن باشد که مالیخولیا گویند از پس لام «یا» (۷). حکیم اکبر ارزانی هم در طب اکبری به این دو واژه اشاره کرده و ضمن یکی دانستن این دو عنوان می‌نویسد: «مالیخولیا مشهورتر است» (۸).

در کتب طبی معتبر ما تنها حکیم علی ابن عباس اهوازی در کتاب کامل الصناعه و شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در القانون فی الطب و حکیم کشکری در الکناش فی الطب از لفظ «مالنخولیا» استفاده کرده‌اند البته علی ابن عباس عناوین «المالیخولیا» و «وسواس سوداوی» را نیز برای بیان این بیماری به‌کار برده است.

مالیخولیا و وسواس سوداوی:

و اما اصطلاح «وسواس سوداوی»، واژه‌ای است که بیشتر در بین اطبای متقدم رایج بوده است و تقریباً پس از علی ابن عباس هیچ‌یک از اطبای ما، این واژه را استعمال نکرده است. در ترجمه کتب ابیدیمیا و فصول بقراطیه بقراط و کتاب جوامع جالینوسی حکیم جالینوس در بیان این بیماری از اصطلاح وسواس سوداوی استفاده شده است.

اینکه چرا ترجمه اولیه این بیماری اصطلاح «وسواس سوداوی» و به‌ویژه واژه «وسواس» به‌کار برده شده است جای تحقیق بیشتر دارد. شاید یکی از دلایل این امر استفاده اطبای متقدم از این واژه در تعریف مالیخولیا باشد، همانند اینکه رازی از قول سرافیون می‌نویسد: «المالیخولیا، وسواس بلا حمی» (۹).

حکیم رازی در الحاوی در بیان اقوال قدما، بیشتر اصطلاح «وسواس سوداوی» را آورده است، ولی هر جا که خود نقطه نظری دارد و نیز در کتاب دیگر خود به‌نام المنصوری فی الطب، اغلب اصطلاح «المالیخولیا» را به‌کار می‌برد. حکیم علی ابن عباس اهوازی هم در کتاب کامل الصناعه، هر سه عنوان

و یا از جهت عوارض بیماری، مانند صرع که معنی آن در لغت به معنی سقوط است و چون مصروع حین بیماری لزوماً سقوط می‌کند به این نام مسمی شده است (۴).

بیماری مالیخولیا:

مالیخولیا یکی از مهم‌ترین بیماری‌ها در مبحث امراض دماغی در کتب طبی ایرانی است و لذا به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است. حتی کتب بسیار مختصر طبی همانند قانونچه و خفی علائی که در بخش بیماری‌های اختصاصی اعضا فقط به بیماری‌های مهم بسنده کرده‌اند نیز مالیخولیا را در امراض دماغی مطرح کردند (۵).

کلمه مالیخولیا معرب عبارت لاتینی «Melancholia» بوده و مرکب از Melanos به معنای سیاه و chole به معنای خلط است و لذا در عربی از آن به «المره السوداء» و در انگلیسی به «Black bile» تعبیر می‌شود (۶) و همان‌طور که اشاره شد در دسته‌بندی وجه تسمیه نیز جزء آن دسته از بیماری‌هاست که به جهت سبب ایجاد بیماری، نامگذاری شده است.

اسامی بیماری مالیخولیا در کتب:

کل عناوینی که در کتب معتبر طب ایرانی، می‌تواند دلالت یا اشاره به این بیماری داشته باشد شامل «مالیخولیا»، «وسواس سوداوی»، «مالنخولیا»، «وسوسه»، «وسواس»، «وسواس سبعی»، «اختلاط عقل»، «جنون»، «دیوانگی» است. لازم است پیش از هر گونه تحقیق پیرامون این بیماری، ابتدا ارتباط یا احیاناً عدم ارتباط بین این واژه‌ها با هم اثبات شود. باتوجه به اینکه مالیخولیا، مشهورترین نام این بیماری است در پژوهش ما، این نام اصل قرار گرفت و مابقی اسامی با آن مقایسه شد.

البته در کتب لغت عباراتی چون ماخولیا، مالیخ، مالنخ (معین) نیز به‌عنوان نام این بیماری آمده است که چون در کتب طبی معتبر استعمال نشده است، مورد بحث قرار نگرفتند.

مالیخولیا و مالنخولیا:

در مورد «مالیخولیا» و «مالنخولیا» یا «ملنخولیا» به جرأت می‌توان گفت که این دو واژه، اشاره به یک بیماری دارند، حکیم سید اسماعیل حسینی جرجانی در ذخیره خوارزمشاهی آورده است:

و وسواس سوداوی تصریح دارند، البته جناب کشکری در یک جا وسواس سوداوی را تحت عنوان تفسیر مالنخولیا هم آورده است، بنابراین مالنخولیا، مالنخولیا و وسواس سوداوی اشاره به یک بیماری دارند.

مالنخولیا و وسوسه، وسواس، وسواس سبعی:

و اما در مورد واژه وسوسه یا وسواس باید گفت در بین کتب معتبر طبى دردسترس تنها حکیم علی ابن ربن طبرى در باب ثالث از مقاله ثانیه از نوع رابعه کتاب ارزشمند خود به نام «فردوس الحکمه» که با عنوان «الباب الثالث فى امراض الدماغ» عنوان کرده است از یک بیماری به نام «الوسوسه» در کنار ۱۲ بیماری دماغی دیگر نام برده و علت آن را حرارت و بیوست مفرط می‌داند که موجب خشکی دماغ شده است، اما در باب چهارم از این مقاله که در مورد علامات امراض دماغی است و نیز در باب پنجم که با عنوان «فى علاج امراض الدماغ» است، به صراحت نامی از بیماری وسوسه یا وسواس نمی‌آورد و لکن در اثنای باب چهارم بدون نام‌بردن از بیماری وسوسه عبارت «و كانوا فيمن فسد دماغه و تغير عقله» را آورده و در ذیل این عبارت مواردی از مصادیق خوف و گمان فاسد که قبل از او جالینوس در جوامع خود ذیل بیماری وسواس سوداوی یا همان مالنخولیا آورده است را ذکر می‌کند، همانند کسی که می‌ترسد آسمان بر زمین فرود آید یا شخصی که گمان می‌کند خروس شده است و در انتهای باب هم به مالنخولیاى مراقبه با عنوان «نفخه المراق و فساد فيه» اشاره می‌کند (۱۳).

به دو دلیل این فرضیه در ذهن متبادر می‌شود که شاید وسوسه بیماری دیگری غیر از مالنخولیا باشد. اول، استفاده از اصطلاح غریبی چون وسوسه که هیچ‌یک از اطباء قبل و بعد طبرى از آن استفاده نکرده‌اند. و دوم، دیدگاه صاحب فردوس الحکمه در سبب‌شناسی این بیماری که سبب آن را بیوست و حرارت دماغ می‌داند در حالی که سایر اطباء چون حکیم رازی علت مالنخولیا را تنها بیوست مفرط دماغ معرفی می‌کنند.

اما وقتی علائم بیماری وسوسه را در فردوس الحکمه مرور می‌کنیم، شواهد و قرائن همه به نفع آن است که طبرى در مورد

مالنخولیا، مالنخولیا و وسواس سوداوی را برای این بیماری به‌کار برده است. گرچه اهوازی عنوان «المالنجولیاى السوداوى» را نیز استعمال کرده است که با کمی تسامح می‌توان این عبارت را با المالنجولیا یکی دانست.

آیا تصریحی بر یکی‌بودن وسواس سوداوی و مالنخولیا در کتب معتبر طبى وجود دارد؟

جناب رازی و نیز اهوازی در کتب خود در بیان عنوان باب یا فصل مربوط به این بیماری از نام مالنخولیا و مالنخولیا استفاده کرده‌اند، ولی در متن علاوه بر این عناوین از نام وسواس سوداوی نیز سود جستند که این امر می‌تواند بر یکی‌بودن این سه عنوان دلالت داشته باشد، اما در بررسی به‌عمل‌آمده در الحاوی تصریحی بر یکی‌بودن این دو یافت نشده است، اما در کتاب کامل‌الصناعه و نیز در دو کتاب ارزشمند دیگر به نام «الکناش فى الطب» حکیم کشکری از پزشکان قرن چهارم و «المأه فى الطب» حکیم ابوسهل عیسی ابن یحیی، بر یکی‌بودن این دو عنوان بیماری تصریح شده است، جناب اهوازی در کامل‌الصناعه باب یازدهم از مقاله ششم وقتی که در مورد اسباب سوءمزاج مادی ذهن سخن می‌گوید، می‌نویسد:

«و إن كانت المادة سوداویة من غیر ورم حدث عن ذلک العلة المسماة بالمالنجولیا، و هو الوسواس السوداوى الخ» (۱۰) کشکری در ابتدای باب شانزدهم از کتابش، وسواس سوداوی را تفسیر مالنخولیا می‌داند و می‌نویسد:

«الداء المسمى باليونانية "المالنجولیا" و تفسیره الوسواس السوداوى» (۱۱).

ولی پس از شرح بیماری مانیا می‌نویسد:

«و انما قصدت فى هذا الموضع أن اشرح ما يحدث فى التخیل و الفكر فقط، فيحدث المرض المسمى المالنجولیا و هو الوسواس السوداوى و المانيا و هو الجنون...» (۱۱).

ابوسهل هم در گفتار ۶۳ از کتاب خود آورده است:

«الوسواس السوداوى و يسمى المالنجولیا و هو من سوداء يحتبس فى الدماغ او يعم جميع البدن» (۱۲).

همان‌طور که ملاحظه شد، کشکری بر یکی‌بودن مالنخولیا و وسواس سوداوی و اهوازی و ابوسهل بر یکی‌بودن مالنخولیا

حکیم زهراوی در التصریف در مبحث انواع مالیخولیا، از یک بیماری به نام «وسواس سبعی» نام می برد که از مره سودای طبیعی ایجاد می شود، باتوجه به توصیف این بیماران با عبارت «حالات این بیماران به احوال درندگان شباهت دارد»، احتمالاً منظورش مانیا و یا داءالکلب است، گرچه در مالیخولیای نوع صفراوی نیز این علامت ذکر شده است.

حکیم حبیش تغلیسی نیز در کتاب کفایه الطب در امراض دماغ از یک بیماری با عنوان «بی خوابی و وسوسه بسیار» نام می برد، ولی به نظر می رسد مدنظر وی تنها بیماری سهر یا همان بی خوابی است و ارتباطی با بیماری مالیخولیا ندارد، دلیل این ادعا آن است که صاحب کفایه برخلاف بسیاری از اطباء، مالیخولیا را جنون یا همان دیوانگی می داند و از مالیخولیا با این عنوان «اندر مالیخولیا که به پارسی دیوانگی خوانند» یاد می کند و در بیان بیماری مانیا، بدون اینکه در عنوان نامی از جنون به میان آورد، می نویسد: «مانیا در پارسی دیوانگی تیز باشد» (۱۴).

البته ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که در کتاب المنجد، در بیان معنای لغت وسواس، مالیخولیا و ذیل معنای مالیخولیا، واژه وسواس را آورده است.

مالیخولیا و اختلاط عقل:

برای روشن شدن تعریف اختلاط عقل بهتر است ابتدا چند اصطلاحی که حکما در باب بیماری های مرتبط با دو قوه تفکر و تخیل نام برده اند، بیان شود: اگر آلت این دو قوه دچار فساد شده و فعل آنها باطل شود، به آن «ذهاب عقل» گویند و اگر فعل آنها دچار ضعف و نقصان شود، «رعونت و حمق»، که اسباب این دو حالت برودت یا برودت و رطوبت است، اما اگر فعل این دو قوه دچار تشویش و تغیر شود، در حدی که افکار وی دائماً مصروف به چیزی شود که حاصلی ندارد و یا امر ناصواب را حقیقتاً صواب پندارد، به آن «اختلاط عقل» گفته می شود که سبب آن را حرارت و یا حرارت و یبوست است. حال اگر ماده مسبب اختلاط عقل، غلبه ماده صفراوی بر دماغ باشد به آن جنون سبعی و اگر غلبه ماده سودای بر آن باشد، مالیخولیا گفته می شود (۱۵).

مالیخولیا سخن رانده است، به ویژه اینکه اگر بپذیریم منظور حکیم علی ابن ربن طبری از عبارت "و كانوا فی من فسد دماغه و تغیر عقله" همان بیماری وسوسه است؛ باید گفت که بیماری که مدنظر حکیم طبری بوده و به شرح آن پرداخته، همان بیماری مالیخولیاست، گرچه نام الوسوسه بر آن نهاده است به دو دلیل:

نخست اینکه اگر نه چنین بود، یعنی اگر طبری در مورد مالیخولیا سخن نمی گفت، دلیلی نداشت که حکیم رازی در کتاب الحاوی در ذیل مبحث مالیخولیا پس از بیان نظر طبری در مورد علت وسواس و تصدیق آن با بیان عتاب آلود به طبری اعتراض کند که مالیخولیا وسواس نیست، آنجا که آورده است: "قال الطبری: الوسواس یكون من الحر و الیبس و قد صدق فان المالیخولیا لیس بوسواس بل انما هو تفزع و ظنون کاذبه" (۹).

و دلیل دوم اینکه علائمی که طبری پس از عبارت "و كانوا فی من فسد دماغه و تغیر عقله" آورده است، همان علائم مالیخولیا است که دیگران هم ذکر کرده اند.

نکته دیگری که از عبارت حکیم رازی قابل برداشت است اینکه:

از عبارت «وقد صدق» جناب رازی چنین مستفاد می شود که وی می پذیرد که یک بیماری با عنوان «وسواس» داریم چرا که این قول طبری که کیفیت بیماری وسواس از حرارت و یبوست است را صادق می داند و در ادامه نیز می گوید مالیخولیا، وسواس نیست؛ البته اگر بپذیریم وسواس غیر از مالیخولیا است. این سؤال بی جواب مانده است که چرا جناب رازی در کتب خویش و یا حتی اطبای پس از وی هم از این بیماری سخنی به میان نیاورده اند؟

رازی در جای دیگر از قول سرافیون می نویسد:

المالیخولیا، وسواس بلا حمی (۹).

اینکه در تعریف بیماری مالیخولیا از اصطلاح وسواس استفاده شده است، شاهد این مدعاست که نمی توان گفت مالیخولیا عیناً همان وسواس است. همچنان که رازی بر آن تصریح کرده است.

همان‌طور که ملاحظه کردید اختلاط عقل یک اصطلاح عام است که حالت‌های مختلفی دارد که یک حالت آن مالیخولیا نامیده می‌شود. بنابراین اختلاط عقل عیناً مالیخولیا نیست. مؤید این نکته، تعریف حکیم علی ابن عباس اهوازی از مالیخولیاست که: المالنخولیا السوداوی، فهو اختلاط العقل من غیر حمی (۱۶).

حال اگر تعریف اهوازی از مالیخولیا را در کنار تعریف سرافیون قرار دهیم (المالیخولیا، وسواس بلا حمی) نتیجه بسیار مهمی که حاصل می‌شود این است که احتمال قوی وجود دارد اختلاط عقل و وسواس دو واژه مترادف باشند.

نکته دیگری که مؤید صدق نتیجه‌گیری فوق است، اصطلاح «وسواس سوداوی» است، این اصطلاح مبین این امر است که وسواس انواع مختلفی دارد که یک نوع آن سوداوی است که به چنین وسواسی مالیخولیا می‌گویند و این حالات دقیقاً برای مقوله اختلاط عقل نیز بیان شده است که اختلاط عقل هم دارای انواعی است که نوع سوداوی بدون تب آن، مالیخولیاست. بنابراین می‌توان این نظریه را ارائه کرد که :

«در کتب طبیبی کهن، اختلاط عقل و وسواس دو واژه مترادف‌اند»

مالیخولیا، جنون و دیوانگی:

دو واژه جنون و دیوانگی، دو لفظ مترادف یکی عربی و دیگری فارسی است که بیشتر برای چهار بیماری مانیا، داءالکلب، قطرب و صبارا، به کار رفته است، ولی برخی حکما همانند اخوینی و حکیم حبیش تغلیسی این واژه را جهت مالیخولیا نیز به کار برده‌اند که در فوق به آن اشاره شد.

البته حکیم اعظم خان در اکسیر وقتی بنا دارد در مورد چهار بیماری فوق‌الذکر سخن براند، مبحث خود را با عبارت «جنون و وسواس» معنون می‌سازد، ولی عجیب اینجاست که در متن این مبحث هیچ حرفی از وسواس به میان نمی‌آورد و فقط از همان چهار بیماری با عنوان جنون مطلب می‌نویسد (۱۷).

نتیجه‌گیری:

مالیخولیا در کتب طبیبی ما با عناوین «مالنخولیا»، «وسواس سوداوی» و در موارد نادری هم با عناوین «وسواس»، «جنون» و «دیوانگی» آمده است، اما با توجه به اهمیت موضوع می‌توان نظریه مترادف بودن اصطلاحات «اختلاط عقل» و «وسواس» در کتب طبیبی کهن را نیز از نتایج این مقاله دانست.

References:

1. Almeida OP, Alfonso H, Yeap BB, Hankey GJ, Flicker, L. Cardiovascular diseases do not influence the mental health outcome of older men with depression over 6 years. *J Affect Disord.* 2013; 144(3):248-52.
- ۲ . سازمان جهانی بهداشت. راهبرد طب سنتی WHO ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳. ترجمه: رضایی‌زاده حسین، طاهری‌پناه طیبه. انتشارات المعی: تهران، ۱۳۹۳.
3. Elgood C. *History Iranian Medical history and Lands of the Eastern Caliphate.* Tehran: Amir Kabir, 1991; 22-37.
- ۴ . عقیلی خراسانی، سید محمدحسین. خلاصه الحکمه. ج ۱. قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۸۵، ص ۳۸۵.
- ۵ . چغمینی، محمود ابن محمد. قانونچه. ترجمه و تحشیه میر محمد تقی. شیراز، ص ۹۳.
- ۶ . ابن سینا، حسین بن عبدالله. ادویه قلبیه. شرح و تفسیر رضوی برقی سید حسین. تهران: نشر نی، ص ۳۷۵.
- ۷ . جرجانی، سید اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۷، ۲۰۲-۲۹۷.
- ۸ . ارزانی، محمد اکبر. طب اکبری. قم: انتشارات جلال‌الدین، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۷-۸۳.
- ۹ . رازی، محمد بن زکریا. الحاوی فی الطب. حیدرآباد دکن هند: دائره المعارف العثمانیه، ۱۹۹۵، ج ۱ ص ۸۳-۶۲.
- ۱۰ . اهوازی، علی ابن عباس. کامل الصناعه الطیبیه. ج ۲. قم: انتشارات جلال‌الدین، ۱۳۸۷.
- ۱۱ . کشکری، یعقوب. الکناش فی الطب. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل. ص ۲۳۴-۲۲۹.
- ۱۲ . عیسی، ابن یحیی. المنه فی الطب. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، ۱۳۹۰.
- ۱۳ . علی ابن ربین طبری. فردوس الحکمه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۷. ص ۲۰۰-۱۹۶.
- ۱۴ . ابوالفضل حبیبش تفلیسی. کفایه الطب. ج ۱. تصحیح زهرا پارساپور. ص ۷۹-۷۷.
- ۱۵ . عقیلی خراسانی، سید محمد حسین. معالجات عقیلی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۷.
- ۱۶ . اهوازی، علی ابن عباس. کامل الصناعه الطیبیه. قم: انتشارات جلال‌الدین. ج ۲، ص ۳۵۶-۶۰.
- ۱۷ . ناظم جهان، اکسیر اعظم. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۷. ص ۲۳۷-۱۸۶.